

ارسی در روند سنت و نوآوری

نور، جوهر خوانش هستی است.
و، اُرسی، پنجره‌ای است رو به نور.
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. <اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ >.

ارسی پنجره‌ای است که نور را قاب‌بندی می‌کند و به آن تنوعی رنگین
می‌بخشد.

ارسی پنجره‌ای است که امنیت و خیال را تقدیم انسان می‌کند.
ارسی در لغت از دو بخش تشکیل شده: <ار> و <رسی>. واژه <ار>،
حکایت <بالارفتن> است.

و همین جا توقفگاهی است تعمق‌طلب؛ یعنی ارسی، دارای نقشی چند بعدی
است. هم دارای نقشی نمادین (symbolic) است و هم دارای نقشی کاملاً مادی.
و این از ویژگیهای هنر سنتی است که زیبایی (aesthetics) و سودمندی
(utility) و کاربرد (function) را با فلسفه و حکمت (wisdom) و عرفان، پیوند
می‌زند تا زندگی روزمره را سرشار از امنیت و آرامش و تعمق و رمز و معنا نماید.
هنگامی که سخن از هنر سنتی به میان می‌آید، سنت با چهره‌ای کهنه و
نخ‌نما به ذهن متبادر می‌شود. چراکه از سنت تصویر خوبی نداریم، به‌خصوص اگر
تمایلات نوآورانه داشته باشیم سنت کمی هم دهشت‌انگیز خواهد بود؛ چراکه
تصور ما از سنت در جامعه‌های معاصر امروزی سرشار از تصاویر زنگ‌زده و

پوسیده است.

یک تعریف از سنت (tradition) مبنی بر آن است که سنت، پدیده‌ای است ایستا (statics) دستوری، خردگرای و عقل‌ستیز با انباشتی از بایدها که به دیکتاتوری آرای گذشتگان و عادات و رسوم (ceremony) کهنه منجر می‌شود و فردیت و اراده فرد، در سنت، حق اعلام وجود ندارد، و همه ناچارند از خود و خواهشهای خود بگذرند و تن به رسوم و قوانینی بدهند که پیش از آنها تعیین شده و سنت نام دارد.

سنت، با تعریف فوق، به طور قطع دست‌ساخته بشر است و در تضاد با هر گونه فکر و اندیشه نو قرار می‌گیرد و به حق این بزرگترین نقطه منفی سنت است.

اما سنت، در تعریف این مبحث، سنتی است غیر از آنچه در افواه و عادات مطرح شده یا شناخته شده است. سنت مورد بحث ما کاملاً متفاوت از سنت معهود و رایج است. این سنت دارای خاستگاه ازلی و جاودان (eternal) و مینوی (numinous) است و ساخته دست و ذهن بشر نیست. اگر در مواردی به ساحتهای عرفی نزدیک شود در هر حال به ساحتهای متافیزیکی (metaphysic) متصل می‌شود.

هنر سنتی در دامن چنین تعریفی از سنت می‌شکفتد و از آنجا که سنت، به امر قدسی (sacrament) نزدیک است و با دین سر و سری عمیق دارد، مقوله‌ای است پیچیده.

می‌توان افزود که اُرسی، اگرچه از عهد صفویه به این سو در تاریخ هنر، به شهرت رسیده است اما به عنوان یکی از اجزای هنر سنتی ایران، مجموعه‌ای است از هنرهای سنتی متنوع که هر یک به قدمت تاریخ و فرهنگ و هنر بشر دارای ریشه و سابقه است. گویی اُرسی ضیافتی است به افتخار نور که در آن انواع مفاهیم و انواع هنرها جمع شده‌اند تا با ملاقات و حضور یکدیگر، نور را تقدیر و تقدیس نمایند.

ارسی، جُنگِ اعجاب‌انگیزی است از طبیعت، فَنآوری، ریاضی، هنر و عرفان؛ از سویی، چوب و شیشه و کاغذ و گِچ و رنگهای الوان و نیز تکنیکهای گره‌چینی و گِچ‌بری و معرق و منبت و مشبک و درودگری، و از سوی دیگر تأملات عرفانی و فلسفی دست در دست هم نهاده‌اند تا این جُنگِ زیبا را تقدیم انسان نمایند - انسانی که در اوج حضور در جامعه و زندگی روزمره غوطه‌ور است - تا چونان خلوت‌نشینی باشد که از صحرای ختن آهوی مشکین را صید می‌نماید.

اما سرنوشت ارسی، حکایت غم‌انگیز همه رشته‌های سنتی است. متأسفانه ارسی، در یک مصاف تحمیلی بین معماری سنتی و معماری مدرن و در آستانه معبد مدرنیسمون مظلومانه به مذبح کشیده و قربانی شده است. تنها یک ناجی شجاع و با درایت می‌توانست و می‌تواند پا به عرصه بگذارد و از قربانی شدن این هنر و سایر هنرهای سنتی جلوگیری نماید. و این ناجی یک سیاست‌گذاری درست و طراحی فرهنگی و هنری مناسب است که نمودها و محصولات هنر سنتی را با دنیای معاصر، آشتی دهد. و این فرصت را، با اشاراتی می‌توان ذکر کرد:

• هنرهای سنتی و هنر جدید به لحاظ بصری دارای نمودهای مشترکند. به طور مثال اگر ارسی از کاربرد خود به عنوان پنجره جدا شود، به تنهایی یک تابلوی نقش برجسته معاصر است که یک سنت‌شناس می‌تواند جلوه‌های بومی و ملی آن را تجزیه و تحلیل و برملا نماید.

• هنر معاصر با تکاپوهای تجریدگرایانه (abstractive) به هندسه خاص هنر سنتی که گره‌ها را نیز شامل می‌شود نزدیک شده است.

• تکاپوهای ساده‌سازی - طبیعت‌گریزی و تجریدگرایی، هنر معاصر را به هنر سنتی نزدیک کرده است.

• اگرچه ریشه‌های هنر سنتی نوعاً قدسی است در عین حال هنر معاصر، جز در موارد استثناء، به دلیل نزدیک شدن به کهن‌الگوها (archetype) به سوی ریشه‌های هنر سنتی قدم نهاده است.

• هنرهای سنتی به دلیل کاربردی بودن می‌تواند جوهره و دستمایه آثار و

ابزار و وسایل و خلاقیت‌های زندگی روزمره معاصر باشد.

- امروزه نقادی محکمی از سوی متفکران نسبت به معماری مدرن مطرح است مبنی بر اینکه این معماری به هزار و یک دلیل، مصلحت و خیر بشری را مدنظر قرار نداده است و خلأ فوق می‌تواند به وسیله وجوه مثبت آن‌گونه معماری سنتی که زبان و بیان و نیازهای دنیای معاصر را درک کند پر شود.
- فناوری معاصر، قابلیت آن را دارد که در تعاملی زیباشناختی و کاربردی با هنر سنتی، خیر عمومی و مصلحت فرد و جمع را هدف خود قرار دهد و در روند شورانگیزی از زیبایی، خلاقیت و تولید، قرار گیرد.

دکتر زهرا رهنورد

تقدیم به:

زنده یاد مادرم که به من عشق داد و پدرم
که بال پروازم بخشید.

پیشگفتار

کشور ما ایران فرهنگ و تمدن کهنی دارد که قدمت آن به چندین هزار سال می‌رسد و در تمام ادوار تاریخ مورد توجه سیاحان، کاشفان، شرق‌شناسان و کارگزاران فرهنگی کشورهای مختلف بوده است و در این میان باستان‌شناسان و مردم‌شناسان شرق و غرب سهم بسزایی در شناساندن آن داشته‌اند؛ با همه اینها کمتر شرق‌شناسی از ادوار گذشته تا به حال در مورد هنر ارسی‌سازی در ایران سخن به میان آورده است.

اهمیت هنر ارسی‌سازی، نبود استادان آموزش دیده، ناشناخته بودن این هنر، نداشتن منابع و کمبود اطلاعات، اینجانب را بر آن داشت تا با همه مشکلات با شوق و اشتیاق بیشتری هدفم را که همانا شناسایی و معرفی این هنر است، دنبال کنم. بی‌شک معرفی و آموزش این هنر می‌تواند گامی مهم در شناخت ارزشها و بازیافتن و بازشناساندن هویت اصیل تمدن ما باشد. البته بر هنرمندان و خوانندگان فهیم پوشیده نیست که ارسی‌سازی به مطالب و طرحهایی که در این مجموعه آمده است محدود نمی‌شود و جای تحقیق و پژوهش بیشتری دارد.

در کتاب حاضر تلاش شده است که دانشجویان و خوانندگان با مطالب، مفاهیم و طرحهای بنیادی این هنر آشنا شوند. در این راستا در فصل اول مطالبی در خصوص تاریخچه چوب، تزیینات چوبی و انواع پنجره‌های به کار رفته در

معماری ایران ارائه شده است. در فصل دوم جایگاه ارسی، تاریخچه طراحی و طرح‌های موجود در ارسیها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به نحوی که با تقسیم‌بندی طرح‌ها و نام آنها شناخت کلی در زمینه طراحی ارسی به دست می‌آید. در فصل سوم ضمن معرفی مواد و ابزار کار ارسی‌سازی (درودگری) به انواع اتصالات مهم چوبی و نیز قسمتهای تشکیل‌دهنده ارسی پرداخته شده است. معرفی استادان ارسی‌ساز و آثار آنها و واژه‌نامه توضیحی هنر ارسی‌سازی از مطالب پایانی کتاب است. همچنین برای درک بهتر مطالب، و معرفی بیشتر ارسیها و خانه‌های ارسی‌دار تصاویری در متن گنجانده شده است (باید یادآور شویم که تمامی تصویرهای کتاب به جز موارد مشخص شده از نگارنده است).

کتاب حاضر نتیجه چند سال تلاش و پژوهش است، با وجود این از برخی کاستیها گریزی نیست، به قول عماد الکتاب: «...هیچ کس کتابی نمی‌نویسد الا که چون روز دیگر در آن بنگرد، گوید اگر فلان سخن چنان بودی بهتر گشتی و اگر فلان کلمه بر آن افزوده گشتی نیکتر آمدی».

در پایان شایسته می‌دانم از دوستان و عزیزانی که مرا در این کاریاری کردند سپاسگزاری کنم؛ بویژه:

– خانم دکتر زهرا رهنورد که با قلم شیوای خویش ویرایش علمی و نگارش مقدمه اثر را پذیرفتند و نیز گروه هنر سازمان سمت که امکان چاپ اثر را فراهم آوردند.

– آقای سید عبدالمجید شریف‌زاده مدیر محترم مرکز پژوهش و آفرینش هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی که همکاری صمیمانه‌ای در انجام اثر داشته‌اند.

– خانم معصومه اروانه که ویرایش کتاب را بر عهده داشتند.

– همسر عزیزم که در برخی سفرها یار و یاورم بودند و با تشویق و توجه خویش قوتم بخشیدند.